

Dynamic Balanced Independence: Redefining Iran's Regional Policy in a Multipolar Order

Yaghoub Ghalandari¹

DOI: [10.48308/piaj.2026.241782.1779](https://doi.org/10.48308/piaj.2026.241782.1779) Received: 2025/9/30 Accepted: 2026/2/1

Original Article

Extended Abstract

Introduction: Recent geopolitical shifts and rapid technological advancements have placed Iran's foreign policy within a complex, multi-layered, and volatile environment, necessitating a fundamental redefinition of its regional strategy. The transition of the international order from unipolarity to a multipolar system, the emergence of new regional and global powers, and the onset of the Fifth Industrial Revolution have presented both existential challenges and strategic opportunities for Iran as a middle power. In this context, this study introduces a novel conceptual framework for Iran's regional policy termed "Dynamic Balanced Independence." This framework is anchored in three core dimensions: strategic independence, multi-layered balancing, and dynamic agency. Its primary objective is to safeguard national sovereignty while facilitating proactive, flexible, and balanced engagement with major powers and regional actors, thereby consolidating Iran's standing within the evolving global order.

Methods: This research employs a qualitative approach with an explanatory-analytical design. Data were synthesized from a diverse range of sources, including scholarly literature, official policy reports, and archival resources. Through conceptual and comparative analyses—informed by international relations theories such as realism, neo-liberalism, and constructivism—the study examines the interplay between Iran's hard power, soft power, and civilizational identity. This methodological approach provides a detailed understanding of the rationale behind independence, balancing, and dynamism in Iran's regional policy while offering a practical operational framework for future policymaking.

1. PhD in Political Science, Department of Political Science, Faculty of Economics and Political Science, Shahrokh Beheshti University, Tehran, Iran. Email: y_ghalandari@sbu.ac.ir



Results and Discussion: The findings indicate that operationalizing “Dynamic Balanced Independence” requires a multifaceted strategic approach. First, multi-level diplomacy is essential to diversify Iran’s regional and international partnerships. Second, the development of a knowledge-based economy and the integration of advanced technologies are critical to enhancing national competitiveness and reducing structural reliance on external actors. Third, strengthening regional institutionalization and “five-dimensional networking” will empower Iran to play an inspirational and proactive role in regional governance. Fourth, the strategic leverage of soft power is vital for expanding Iran’s cultural and civilizational influence and shaping the perceptions of regional actors. Together, these strategies decouple Iran from unilateral dependencies and reactive postures, enabling innovative and balanced engagement in global affairs.

Conclusion: The analysis demonstrates that the dynamic synergy between independence, balancing, and agency allows Iran to effectively mitigate regional threats while maximizing geopolitical and technological opportunities. Redefining regional policy through the “Dynamic Balanced Independence” framework not only consolidates Iran’s position as a resilient and “smart” middle power but also facilitates sustainable development and national security. Ultimately, this comprehensive approach integrates security, economic, and civilizational dimensions, allowing Iran to maintain strategic autonomy while enhancing its agency in a fragmented global environment. Furthermore, five-dimensional networking and regional institution-building serve as the operational mechanisms for this framework, reinforcing Iran’s role as a balancing and inspirational actor in West Asia. This framework paves the way for an independent and impactful foreign policy, opening new horizons for national development and soft power projection within the multipolar international order.

Keywords: Iran’s Foreign Policy, Dynamic Balanced Independence, Multi-layered Balancing, Multi-level Diplomacy, Multipolar Order.

Citation: Ghalandari, Yaghoub. 2026. Dynamic Balanced Independence: Redefining Iran’s Regional Policy in a Multipolar Order, *Political and International Approaches*, Spring, Vol 18, No 1, PP 49-71.



استقلال متوازن پوینده؛ بازتعریف سیاست منطقه ای ایران در نظم چندقطبی

یعقوب قلندری^۱

DOI: [10.48308/piaj.2026.241782.1779](https://doi.org/10.48308/piaj.2026.241782.1779)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۷/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: تحولات ژئوپلیتیکی و پیشرفت‌های فناورانه در سال‌های اخیر، فضای سیاست خارجی ایران را به محیطی پیچیده، چندلایه و در حال تحول تبدیل کرده‌اند که بازتعریف سیاست منطقه‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. گذار نظم بین‌المللی از وضعیت تک‌قطبی به ساختار چندقطبی، ظهور قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای و جهانی و شکل‌گیری انقلاب صنعتی پنجم، شرایط و فرصت‌های نوینی را برای ایران به‌عنوان یک بازیگر میانی فراهم کرده‌اند، در حالی که تهدیدهای متنوع و پیچیده نیز بر اهمیت تدوین سیاستی انعطاف‌پذیر و هوشمندانه تأکید دارند. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف ارائه چارچوبی نوین برای بازتعریف سیاست منطقه‌ای ایران، مفهوم «استقلال متوازن پوینده» را معرفی می‌کند. این چارچوب بر سه مؤلفه اصلی استقلال راهبردی، موازنه چندلایه و پویندگی کنشگری تأکید دارد. هدف این مدل، ایجاد توازنی میان حفظ استقلال ملی و امکان تعامل فعال، هوشمندانه و موازنه‌گرایانه با قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای است، به گونه‌ای که جایگاه ایران در نظم بین‌المللی چندقطبی تقویت شود و توانایی مدیریت تهدیدها و بهره‌برداری از فرصت‌های ژئوپلیتیکی افزایش یابد.

روش: روش پژوهش حاضر کیفی و مبتنی بر تحلیل تبیینی داده‌ها است. داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی و گزارش‌های رسمی گردآوری شده‌اند و با استفاده از روش‌های تحلیل مفهومی و تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این تحلیل با بهره‌گیری از نظریه‌های روابط بین‌الملل از جمله واقع‌گرایی، نئولیبرالیسم و سازه‌انگاری، امکان مطالعه تعامل میان قدرت سخت، قدرت نرم و هویت تمدنی ایران را فراهم می‌کند. به این ترتیب، پژوهش می‌تواند ساختار و اهمیت استقلال، موازنه و پویندگی را در سیاست منطقه‌ای ایران به‌طور دقیق تبیین کند و چارچوب عملیاتی مناسبی برای سیاست‌گذاری آینده ارائه دهد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که تحقق «استقلال متوازن پوینده» مستلزم توجه همزمان به چند

۱. دکتری علوم سیاسی گروه علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. y_ghalandari@sbu.ac.ir

محور اصلی است. نخست، دیپلماسی چندسطحی که بتواند تنوع بخشی به شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را تضمین کند. دوم، توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته برای افزایش قدرت رقابتی و کاهش وابستگی به بازیگران خارجی است. سوم، تقویت نهادسازی منطقه‌ای و شبکه‌سازی پنج‌بُعدی که ایران را قادر می‌سازد نقش فعال و الهام‌بخش در ساختارهای منطقه‌ای ایفا کند و چهارم، استفاده از قدرت نرم به منظور ارتقای جایگاه فرهنگی و تمدنی ایران و تأثیرگذاری بر سیاست‌ها و رفتار بازیگران منطقه‌ای. این رویکرد جامع، ایران را از وابستگی یک‌جانبه یا واکنش صرف نسبت به فشارهای خارجی رها می‌سازد و امکان ایفای نقش نوآورانه و موازنه‌گر را فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری: تحلیل نشان می‌دهد که ترکیب پویندگی، موازنه و استقلال در یک تعامل پویا، ایران را قادر می‌سازد تا تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی را مدیریت کرده و از فرصت‌های ژئوپلیتیکی، اقتصادی و فناورانه حداکثر بهره را ببرد. بازتعریف سیاست منطقه‌ای بر اساس چارچوب «استقلال متوازن پوینده» نه تنها به تثبیت جایگاه ایران به‌عنوان یک قدرت میانی پایدار و هوشمند کمک می‌کند، بلکه امکان توسعه پایدار، ارتقای امنیت ملی و نفوذ تمدنی ایران در منطقه و جهان را نیز فراهم می‌سازد. در نهایت، این رویکرد جامع با تلفیق مؤلفه‌های امنیتی، اقتصادی، فناوری، قدرت نرم و هویت تمدنی، ایران را قادر می‌سازد ضمن حفظ استقلال استراتژیک، انعطاف‌پذیری و کنشگری فعال خود در محیط پیچیده منطقه‌ای و جهانی را افزایش دهد. همچنین، شبکه‌سازی پنج‌بُعدی و نهادسازی منطقه‌ای، سازوکار عملیاتی تحقق این چارچوب را فراهم می‌آورد و جایگاه ایران را به‌عنوان یک بازیگر موازنه‌گر، الهام‌بخش و هوشمند در غرب آسیا تثبیت می‌کند. این چارچوب، مسیر ایران را برای تحقق سیاستی مستقل، نوآورانه و تأثیرگذار در نظم بین‌المللی چندقطبی هموار می‌سازد و افق‌های جدیدی برای توسعه و قدرت نرم کشور باز می‌کند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ایران، استقلال متوازن پوینده، موازنه چندلایه، دیپلماسی چندسطحی، نظم چندقطبی.

استناددهی: قلندری، یعقوب. ۱۴۰۵. استقلال متوازن پوینده؛ بازتعریف سیاست منطقه‌ای ایران در نظم چندقطبی، بهار، سال ۱۸، شماره ۱، ۷۱-۴۹.



مقدمه

ایران طی دهه‌های اخیر با مجموعه‌ای از تحولات پیچیده در سیاست خارجی روبه‌رو بوده است. تحولاتی چون تحریم‌های گسترده، فشارهای اقتصادی، تغییرات فناورانه و ظهور بازیگران جدید منطقه‌ای که هم چالش‌هایی جدی و هم فرصت‌هایی تازه ایجاد کرده‌اند. این شرایط ضرورت بازنگری در رویکردها و سیاست منطقه‌ای ایران و سازگار کردن آن با محیط در حال تغییر را بیش از پیش برجسته کرده است. زیرا در چنین فضایی، حفظ استقلال راهبردی کشور و در عین حال مدیریت روابط متنوع با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی تبدیل شده است.

با وجود این، برداشت از مفهوم استقلال در سیاست خارجی ایران همچنان دچار ابهام و چالش است. تعریف‌های سنتی که استقلال را به «عدم وابستگی مطلق» محدود می‌کنند، در بستر کنونی نظام بین‌الملل کارآمدی خود را از دست داده‌اند. در مقابل، محیط منطقه‌ای امروز به گونه‌ای است که بازیگران برای حفظ موقعیت خود ناچار به تعامل، شبکه‌سازی و ایجاد توازن‌های چندلایه‌اند. در چنین شرایطی، اتکای صرف به الگوهای رقابتی یا ائتلاف‌های مقطعی، بدون در نظر گرفتن پویایی‌های درونی و سازوکارهای همکاری‌محور، می‌تواند نقش منطقه‌ای ایران را محدود سازد.

پرسش محوری این پژوهش این است که «چه چارچوبی می‌تواند سیاست منطقه‌ای ایران را به گونه‌ای سامان دهد که هم استقلال راهبردی حفظ شود و هم توان پویایی، توازن و کنشگری مؤثر در محیط منطقه‌ای و جهانی افزایش یابد؟» هدف پژوهش، ارائه و تبیین چارچوبی مفهومی برای سیاست منطقه‌ای ایران است که ضمن سازگاری با شرایط داخلی و روندهای بین‌المللی، بتواند جایگاه کشور را در نظم چندقطبی در حال شکل‌گیری تقویت کند. اهمیت این موضوع در آن است که طراحی یک سیاست منطقه‌ای کارآمد مستلزم فهم دقیق متغیرهای داخلی، منطقه‌ای و جهانی است و می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده امنیت، توسعه و نفوذ ایران داشته باشد.

۱. پیشینه تحقیق

مطالعات مرتبط با سیاست منطقه‌ای ایران در دو دهه اخیر بر مجموعه‌ای از موانع، ظرفیت‌ها و جهت‌گیری‌های راهبردی کشور تمرکز داشته‌اند. با توجه به تحولاتی چون تحریم‌های اقتصادی، شکل‌گیری نظم امنیتی جدید پس از ۲۰۱۰ و گسترش رقابت قدرت‌های منطقه‌ای، بازه زمانی این مرور ادبیات عمدتاً به دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۲ اختصاص یافته است، دوره‌ای که بیشترین حجم مطالعات تحلیلی درباره سیاست منطقه‌ای ایران در آن تولید شده است.

در نخستین دسته مطالعات، بر «موانع ساختاری و نهادی سیاست منطقه‌ای ایران» تأکید شده است. هریس (۲۰۱۹) عدم هماهنگی میان دستگاه دیپلماسی و نهادهای اقتصادی را عاملی دانسته که از تحقق سیاست «استقلال متوازن» جلوگیری می‌کند؛ زیرا هم‌زمان‌سازی اهداف امنیتی و اقتصادی شرط اصلی کارآمدی سیاست خارجی در محیط منطقه‌ای پیچیده است. این دیدگاه به خلأهای نهادی و ضعف یکپارچگی سیاستی در ایران اشاره دارد.

در دسته دوم، پژوهش‌هایی قرار می‌گیرند که «ابعاد هویتی، فرهنگی و مذهبی محیط پیرامونی ایران» را بررسی کرده‌اند. نصر (۲۰۰۷) پیچیدگی‌های قومی و مذهبی منطقه را چالشی مهم برای سیاست‌های همگرایانه می‌داند و معتقد است توجه به متغیرهای فرهنگی شرط کاهش سوء تفاهم‌های امنیتی و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای است.

دسته سوم مطالعات، بر «تأثیر متغیرهای خارجی به‌ویژه تحریم‌ها» متمرکز است. کاتزمان (۲۰۲۲)، ص. ۳۴ نشان می‌دهد که تحریم‌های بین‌المللی ظرفیت اقتصادی و فناورانه ایران را محدود کرده و مانعی جدی برای اجرای سیاست منطقه‌ای مستقل ایجاد می‌کند. این یافته‌ها بر اهمیت هم‌افزایی میان سیاست اقتصادی و سیاست خارجی تأکید دارد.

در حوزه «رقابت قدرت‌ها و محیط امنیتی منطقه‌ای» نیز گاس (۲۰۱۷، ص. ۱۱۲) ظهور و تقویت بازیگران رقیب را از عوامل محدودکننده نقش منطقه‌ای ایران معرفی می‌کند. از نظر وی، افزایش نفوذ ایران می‌تواند واکنش متقابل قدرت‌های منطقه‌ای را برانگیزد و پویایی امنیتی منطقه را پیچیده‌تر سازد.

در نهایت، برخی پژوهش‌ها بر «نقش انعطاف‌پذیری و قدرت نرم» در سیاست خارجی تأکید کرده‌اند. نای (۲۰۰۴) انعطاف‌پذیری را شرط اساسی مدیریت بحران و حفظ منافع ملی در محیط‌های متغیر می‌داند و استفاده هوشمندانه از ترکیب قدرت سخت و نرم را لازمه موفقیت راهبردی می‌شمارد.

با وجود این مطالعات، بخش عمده ادبیات موجود یا بر موانع و تهدیدها تمرکز کرده‌اند یا تنها یک بُعد از سیاست منطقه‌ای ایران (سیاسی - امنیتی، اقتصادی یا فرهنگی) را بررسی کرده‌اند. نوآوری پژوهش حاضر در اتخاذ یک «رویکرد تلفیقی و چندبعدی» است که سیاست منطقه‌ای ایران را در پیوند هم‌زمان سه حوزه امنیتی، اقتصادی و فرهنگی تحلیل می‌کند و بر مبنای این پیوند، چارچوبی عملیاتی برای مدیریت انعطاف‌پذیر سیاست خارجی و بهره‌گیری از قدرت نرم ارائه می‌دهد. این چارچوب که در قالب سیاست «استقلال متوازن پوينده» تبیین می‌شود، تاکنون در ادبیات موجود به‌صورت یکپارچه بررسی نشده و شکاف پژوهشی مهمی را پوشش می‌دهد.

۲. چارچوب نظری: استقلال متوازن پوينده

ایده «استقلال متوازن پوينده» بر یک سنتز نظری نوین استوار است. سنتزی که از سه لایه اصلی هسته رئالیستی، پوسته‌ی نئولبرالی، و روح سازه‌انگارانه تشکیل می‌شود. این سه لایه در تعامل با یکدیگر، امکان تعریف سیاست خارجی ایران در شرایط گذار نظم بین‌المللی به چندقطبی را فراهم می‌سازند.

نخست هسته رئالیستی: تضمین بقا و موازنه قدرت؛ در بطن این چارچوب، منطق واقع‌گرایی و نئورئالیسم قرار دارد. بر اساس این رویکرد، نظام بین‌الملل ذاتاً آناشیک است و بقای دولت‌ها تنها از طریق خودیاری و حفظ استقلال راهبردی تضمین می‌شود (والتز، ۱۳۷۸: ۷۹). ایران، به‌عنوان بازیگری میانی، برای حفظ امنیت ملی ناگزیر از ایجاد موازنه چندلایه در برابر قدرت‌های بزرگ و رقبای منطقه‌ای است (والت، ۱۳۹۹: ۶۰).

دوم پوسته نئولبرالی: همکاری و نهادسازی؛ پیرامون این هسته سخت، یک لایه‌ی نهادگرایانه شکل می‌گیرد که بر اهمیت وابستگی متقابل پیچیده و همکاری‌های چندسطحی تأکید دارد (کوهن و نای،

۱۳۹۱، ص ۱۴۲). در این سطح، ایران نمی‌تواند صرفاً بر قدرت سخت تکیه کند؛ بلکه باید از طریق دیپلماسی چندسطحی، نهادسازی منطقه‌ای و تنوع‌بخشی به شرکا، جایگاه خود را تثبیت کند. این پوسته امکان انعطاف‌پذیری و تعامل سازنده را فراهم می‌سازد (محسنی، ۱۴۰۴: ۱۱۷).

سوم روح سازه‌انگارانه: هویت‌بخشی و پویندگی کنشگری؛ فراتر از منطق مادی رئالیسم و نهادگرایی، «روح سازه‌انگارانه» این چارچوب معنا و جهت‌بخشی هویتی را بر عهده دارد. سازه‌انگاری بر این باور است که سیاست بین‌الملل نه تنها بر اساس منافع مادی بلکه بر مبنای هویت‌ها و گفتمان‌ها شکل می‌گیرد (Wendt, 1999:23). ایران با تکیه بر ارزش‌های تمدنی همچون عدالت، استقلال‌خواهی و مقاومت، می‌تواند نقش قدرت تمدنی الهام‌بخش را ایفا کند (آجاریا، ۱۳۹۵: ۴۰). این بعد به سیاست خارجی ایران مشروعیت و پویندگی کنشگری می‌بخشد.

سه لایه فوق‌زمانی کارآمد خواهند بود که در تعامل پویا قرار گیرند؛ این تلفیق، ایران را از صرف اتکا به قدرت سخت یا نهادگرایی اقتصادی رها می‌کند و امکان ایفای نقش به‌عنوان یک قدرت میانی پایدار را در نظم چندقطبی فراهم می‌سازد (Holbraad, 1984;475) و (Carranza, 2018: 56). همچنین، توجه به نوآوری فناورانه و اقتصاد دانش‌بنیان، بُعد «پویندگی» را تقویت کرده و ایران را در موج پنجم انقلاب صنعتی توانمند می‌سازد (Freeman & Louçã:2001:123).

۳. روش‌شناسی

این پژوهش کیفی و مبتنی بر رویکرد تحلیلی-تبیینی است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده و شامل آثار نظری حوزه روابط بین‌الملل، اسناد رسمی سیاست خارجی ایران و گزارش‌های معتبر اندیشکده‌هاست. تحلیل داده‌ها در دو مرحله انجام شده است:

۱. تحلیل مفهومی: مفاهیم کلیدی مانند «استقلال»، «موازنه‌گری»، «قدرت منطقه‌ای»، «شبکه‌سازی» و «سیاست منطقه‌ای» از ادبیات کلاسیک و معاصر استخراج و بازتعریف شده‌اند تا امکان بررسی دقیق و یکپارچه فراهم شود.

۲. سنتز نظری و استخراج چارچوب پیشنهادی: نتایج تحلیل مفهومی با داده‌های مربوط به سیاست منطقه‌ای ایران ترکیب شده و چارچوب «استقلال متوازن پوینده» تدوین شده است. این چارچوب سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی سیاست منطقه‌ای ایران را در یک ساختار تحلیلی واحد مدنظر قرار می‌دهد. انتخاب رویکرد کیفی و تحلیلی به دلیل ماهیت مفهومی موضوع و هدف پژوهش - بازتعریف سیاست منطقه‌ای ایران - صورت گرفته است و امکان بررسی تعاملی متغیرهای امنیتی، اقتصادی و فرهنگی را فراهم می‌کند.

۴. تحلیل محیطی و ضرورت بازتعریف سیاست منطقه‌ای

تحولات محیط بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی ایران نشان می‌دهد که بازتعریف سیاست منطقه‌ای دیگر یک گزینه نیست، بلکه یک ضرورت استراتژیک است. در سطح بین‌المللی، تغییرات در توازن قدرت

جهانی، رقابت میان قدرت‌های بزرگ (ایالات متحده، چین، روسیه) و ظهور چندقطبی شدن اقتصاد و امنیت جهانی، فضای سیاسی و اقتصادی منطقه خاورمیانه را به شدت پیچیده کرده است. تحولات اخیر، از جمله تغییرات در سیاست انرژی، افزایش اهمیت دیپلماسی اقتصادی و ظهور بازیگران نوظهور در عرصه جهانی، نشان می‌دهد که سیاست‌های سنتی مبتنی بر تعامل محدود یا تمرکز صرف بر یک محور، قدرت دیگر پاسخگوی شرایط کنونی نیستند (زکریا، ۱۳۹۳: ۵۶).

در سطح منطقه‌ای، بحران‌های سیاسی و نظامی در خاورمیانه، از جمله منازعات در سوریه، یمن و عراق، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و تغییر نقش کشورهای خلیج فارس و ترکیه، محیط امنیتی و اقتصادی ایران را به شدت دگرگون کرده است. این تحولات نشان می‌دهد که تکیه صرف بر موازنه سنتی قدرت و تعامل محدود با بازیگران منطقه‌ای، توانایی ایران در حفظ امنیت ملی و منافع اقتصادی را کاهش می‌دهد و ضرورت اتخاذ رویکردی فعال، پویا و منعطف در سیاست منطقه‌ای را به وضوح مطرح می‌کند (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۲).

از منظر داخلی، چالش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از جمله تحریم‌ها، فشارهای اقتصادی، نیاز به توسعه پایدار و تقویت سرمایه انسانی، نشان می‌دهد که سیاست منطقه‌ای ایران باید به گونه‌ای بازتعریف شود که ضمن افزایش تعاملات خارجی، ظرفیت‌های داخلی و توسعه ملی نیز تقویت شود. به عبارت دیگر، بازتعریف سیاست منطقه‌ای باید تلفیقی از استقلال، تعادل و پویایی باشد تا ایران بتواند از فرصت‌های منطقه‌ای بهره‌برداری کرده و تهدیدهای ناشی از تحولات داخلی و خارجی را مدیریت کند (اخوان، ۱۴۰۱: ۳۳) و (خلجی، ۱۴۰۲: ۲۷).

بنابراین، ضرورت بازتعریف سیاست منطقه‌ای ایران از سه محور اصلی ناشی می‌شود: (۱) پیچیدگی و چندقطبی شدن محیط بین‌المللی، (۲) تحولات سریع و رقابت شدید در محیط منطقه‌ای، و (۳) چالش‌های داخلی که نیازمند افزایش انعطاف‌پذیری و کارآمدی سیاست‌ها هستند. بازتعریف این سیاست به ایران امکان می‌دهد که با حفظ استقلال نسبی، تعادل قدرت را مدیریت کند و در عین حال از ظرفیت‌های داخلی خود برای افزایش نفوذ و تأثیرگذاری در منطقه بهره‌برداری نماید.

۵. ارزش‌ها و اصول بنیادین

اصول بنیادین چارچوب «استقلال متوازن پوينده» بر حفظ تمامیت ارضی، امنیت ملی، و توسعه پایدار اقتصادی و فرهنگی مبتنی است. این چارچوب به ارزش‌هایی مانند خوداتکایی، احترام به هویت ملی، تعامل هوشمندانه با بازیگران منطقه‌ای و جهانی و حمایت از عدالت و حقوق بین‌الملل پایبند است. از نظر این مدل، سیاست منطقه‌ای ایران باید در خدمت منافع مردم و حفظ کرامت ملی باشد و ضمن تقویت انسجام داخلی، بر دیپلماسی چندجانبه و استفاده از ظرفیت‌های نرم افزاری و سخت افزاری تأکید کند. این ارزش‌ها تضمین می‌کنند که استقلال و موازنه به صورت پایدار و مشروع حفظ شده و سیاست‌های منطقه‌ای در چارچوب اخلاقی و حقوقی معاصر دنبال شوند.

۱. **منافع و امنیت ملی:** سیاست منطقه‌ای باید به طور مستمر منافع حیاتی و امنیت ملی ایران را

تضمین و تقویت کند و همه اقدامات باید با این اولویت‌ها همسویی داشته باشد.

۲. ارزش‌های تمدنی (عدالت و مقاومت): سیاست ایران باید متکی بر عدالت‌خواهی، حمایت

از مستضعفان و مقاومت در برابر سلطه‌طلبی باشد؛ این ارزش‌ها نه تنها ریشه در مبانی اسلامی دارند، بلکه ظرفیت راهبردی برای مشروعیت‌بخشی به سیاست خارجی و جذب افکار عمومی منطقه و جهان اسلام ایجاد می‌کنند. این ارزش‌ها به عنوان رکن اصلی سیاست در چارچوب تقویت منافع ملی و در خدمت حفظ و ارتقای اقتدار کشور در منطقه تبیین می‌شوند (سلطانی، ۱۴۰۴: ۴).

۳. مردم: مردم‌محوری هم در عرصه داخلی و هم در روابط خارجی به‌عنوان بستر اجتماعی قدرت

ملی شناخته می‌شود. مشارکت فعال مردمی در دیپلماسی عمومی، تعامل فرهنگی، و شبکه‌سازی اجتماعی، عنصر کلیدی در ایجاد امنیت پایدار و مشروعیت منطقه‌ای است، به گونه‌ای باشد که منافع ملی را در سطح گسترده‌تر تضمین کند.

۴. دانش (فناوری‌های نوین): بهره‌گیری هدفمند از علوم پیشرفته، فناوری‌های نوین (هوش

مصنوعی، زیست‌فناوری، فضا، سایبری، فناوری‌های مالتی‌مدیا و ژئوپلیتیک داده) باید موتور محرکه استقلال و پویندگی سیاست ایران باشد. این دانش می‌تواند ابزار بازدارندگی، نفوذ نرم، توسعه اقتصادی و تعامل سازنده با دنیای نوین با هدف ارتقای جایگاه ایران در منطقه و جهان را فراهم سازد.

۵. تجلی راهبردی اراده ملی: سیاست منطقه‌ای ایران باید بازتاب راهبردی، هدفمند و

آینده‌نگر اراده ملی باشد؛ اراده‌ای که در قالب سیاست‌ها و اقدامات منطقه‌ای، تأمین‌کننده منافع کلان، امنیت درون‌زا و پیشرفت بومی کشور است. سیاست خارجی در این چارچوب، نه صرفاً مبتنی بر معادلات قدرت، و ابزاری صرف برای رقابت ژئوپلیتیکی است؛ بلکه امتدادی آگاهانه، متوازن و درونی از خواست، مشارکت و آرمان‌های مردم ایران تلقی می‌شود؛ که نمود عینی عزت، استقلال و تعامل هوشمندانه ملت ایران با محیط پیرامونی است؛ و پیوندی راهبردی میان سیاست داخلی و سیاست خارجی ایجاد می‌کند که مشروعیت، انسجام و کارآمدی را توأمان تقویت می‌سازد.

سیاست استقلال‌متوازن و پویانده، بر پایه‌ی ارزش‌های تمدنی، مشارکت مردمی و فناوری پیشرو، ایران را به یک قدرت میانی پایدار، الهام‌بخش، و موازنه‌گر هوشمند در نظم جدید منطقه‌ای و جهانی تبدیل می‌کند. براین اساس مدل مفهومی اولیه چارچوب «استقلال متوازن پویانده» شامل سه مولفه اصلی است که در تعامل پویا با یکدیگر قرار دارند: ظرفیت‌های داخلی (شامل فناوری، اقتصاد و امنیت)، تعادل منطقه‌ای (از طریق دیپلماسی فعال و مدیریت هوشمندانه بازیگران) و کنشگری پویا (بهره‌گیری از فرصت‌ها و مدیریت بحران‌ها). این مدل با استفاده از حلقه‌های بازخورد مثبت و منفی، قابلیت تنظیم و به‌روزرسانی سیاست‌ها را بر اساس تغییرات محیطی فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، این مدل مفهومی یک نظام تعاملی و پویا است که از طریق همگرایی این سه مولفه، استقلال ایران را تقویت کرده و امکان نفوذ فعال و متوازن در محیط پیچیده منطقه‌ای را مهیا می‌سازد.

۶. اجزاي مفهومي: استقلال متوازن پوينده

چارچوب مفهومي «استقلال متوازن پوينده» بر پايه تركيب سه مولفه كليدي استقلال، موازنه و پويندگي شكل گرفته است كه به عنوان يك راهبرد جامع براي سياست منطقه‌اي جمهوري اسلامي ايران تعريف مي‌شود. اين چارچوب، پاسخ به تحولات پيچيده و چندقطبي منطقه‌اي و جهاني است و تلاش دارد تا استقلال راهبردي کشور را حفظ کند، در عين حال با ايجاد توازن دقيق ميان قدرت‌هاي منطقه‌اي و فرامنطقه‌اي، نفوذ و تاثيرگذاري ايران را به صورت فعال و پويا افزايش دهد.

استقلال: استقلال در اين چارچوب فراتر از مفهوم سنتي خود، يعني صرفاً عدم وابستگي سياسي يا نظامي، به معنای توانمندی ساختاری و عملياتی برای اتخاذ تصميمات استراتژيك مستقل در تمامی سطوح سياست خارجي، امنيتی و اقتصادي است. استقلال متوازن پوينده تأکيد مي‌کند كه کشور نبايد در دام وابستگي‌هاي يك‌جانبه يا تحميل شده قرار گيرد بلکه بايد ظرفيت‌هاي داخلي خود را در حوزه‌هاي فناوري، دفاعي و ديپلماتيك توسعه دهد تا از امكان واکنش و مقابله موثر برخوردار باشد. حفظ حق تصميم‌گيري آزاد از سلطه‌ي بلوك‌هاي قدرت؛ پرهيز از دنباله‌روي از قدرت‌هاي بزرگ و حفظ اراده ملي در سياست خارجي، هيچ قدرت خارجي، سياست خارجي ايران را تعيين نکند؛ تصميم‌ها بر مبنای منافع ملي اتخاذ شود. در واقع اين نوع استقلال بازآرایی خودمختاري راهبردي است كه فراتر از استقلال سياسي صرف است.

جدول ۱: مقايسه مفهومي استقلال سياسي و خودمختاري راهبردي

خودمختاري راهبردي	استقلال سياسي
عيني، عملياتي و چندبعدي	بيشتر نمادين يا حقوقي
تمرکز بر قدرت واقعي تصميم‌گيري	تمرکز بر حاکميت رسمي
در تعامل با اقتصاد جهاني، فناوري، و نظم امنيتي چندلايه	در چارچوب دولت ملت

(اين جدول تفاوت‌هاي كليدي ميان استقلال سياسي سنتي و خودمختاري راهبردي ايران را نشان مي‌دهد، شامل ماهيت، سطح تمرکز و حوزه‌هاي عملياتي هر رويکرد)

توازن: ايجاد موازنه در تعامل با قدرت‌ها و نهادهاي جهاني و منطقه‌اي. موازنه به عنوان دومين رکن اين چارچوب، بر حفظ تعادل قوا و نفوذ ميان بازيگران متعدد منطقه‌اي و فرامنطقه‌اي تأکيد دارد. با توجه به ساختار پيچيده قدرت در غرب آسيا، كه شامل بازيگران قدرت‌مند منطقه‌اي و فرامنطقه‌اي مانند آمريكا، روسيه، چين، ترقيه و عربستان سعودي است، ايران بايد با هوشمندی و انعطاف‌پذيري، همسو شدن صرف با يك قدرت بزرگ را نفي کرده و از ظرفيت‌هاي رقابتي ميان اين قدرت‌ها بهره برداري کند. اين موازنه هوشمندانه به ايران امكان مي‌دهد تا به عنوان يك بازيگر اثرگذار شناخته شود و در عين حال، از فشارها و تهديدهاي احتمالي در امان بماند.

پویندگی: حرکت فعال، هدفمند، نوآورانه، پیش‌رونده و آینده‌نگر برای اثرگذاری در محیط پیچیده و چندلایه بین‌المللی و منطقه‌ای. پویندگی یا کنشگری فعال به معنای توانمندی در بهره‌گیری از فرصت‌های نوین جهانی، از جمله فناوری‌های نوین، دیپلماسی نوآورانه و ظرفیت‌های مردمی است که باعث می‌شود ایران نه یک کنشگر منفعل، بلکه یک بازیگر فعال، خلاق و تاثیرگذار در منطقه و نظام بین‌الملل باشد. این عنصر پویایی، قابلیت واکنش سریع و تطبیق با تغییرات محیطی را به سیاست منطقه‌ای ایران می‌بخشد و از طریق استفاده هوشمندانه از فناوری‌های نوین و افزایش قدرت نرم، استقلال و موازنه را تقویت می‌کند. در چارچوب این سیاست، ایران دشمن دائمی و دوست اجباری نخواهد داشت؛ بلکه با بازی هوشمندانه در میدان چندقطبی منطقه‌ای و جهانی، منافع خود را با حداکثر تعامل و حداقل تنش پیش خواهد برد. بر این اساس «موازنه‌گری هوشمندانه فناوری پایه» ای قابل تحقق است که به ایران این امکان را می‌دهد که بدون افتادن در دام اتحادهای پرهزینه یا انزوای طلبی پرریسک، با بازی هوشمندانه در شبکه قدرت منطقه‌ای، تهدیدات امنیتی را مهار کند، فرصت‌های اقتصادی را نیز فعال سازد و همچنین نقش تمدنی و فرهنگی خویش را بازیابی و بازآرایی نماید. در نهایت، چارچوب «استقلال متوازن پویانده» با تلفیق این سه عنصر، به دنبال ایجاد یک سیاست منطقه‌ای است که هم خودکفا و مقاوم باشد و هم انعطاف‌پذیر و هوشمندانه، تا ایران بتواند در محیط پیچیده و رقابتی غرب آسیا جایگاه و نفوذ پایدار خود را حفظ و ارتقا دهد.

۷. تمایز با الگوهای پیشین

چارچوب «استقلال متوازن پویانده» در مقایسه با الگوهای پیشین سیاست منطقه‌ای ایران، که عمدتاً بر محور یکی از دو رویکرد استقلال کامل یا ائتلاف‌های یک‌جانبه مبتنی بودند، دارای تفاوت‌های بنیادین است. برخلاف رویکردهای سنتی که استقلال را به معنای قطع ارتباط یا انزوا می‌دیدند، این چارچوب استقلال را در قالب تعادل هوشمندانه میان بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تعریف می‌کند و بر پویایی فعال تأکید دارد. همچنین برخلاف الگوهای صرفاً موازنه قدرت که بیشتر واکنشی و کوتاه‌مدت بودند، استقلال متوازن پویانده رویکردی استراتژیک، بلندمدت و منعطف را ارائه می‌دهد که قابلیت سازگاری با تغییرات سریع محیط بین‌المللی را داراست و به دنبال حفظ و ارتقای توانمندی‌های داخلی به عنوان محور اصلی قدرت است.

در بررسی سیاست منطقه‌ای ایران، مطالعات گذشته عمدتاً به تحلیل موانع و تهدیدها پرداخته‌اند، اما نمونه‌های عملی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، تلاش‌های ایران برای توسعه روابط با عراق در دهه اخیر نشان‌دهنده کاربرد عملی راهبرد «تعامل همزمان با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای» است که با حفظ استقلال نسبی کشور همراه بوده است. همچنین، برنامه‌های اقتصادی و انرژی ایران در همکاری با کشورهای همسایه مانند عمان و ترکیه نمونه‌هایی از سیاست «تنوع‌بخشی به شرکا و موازنه اقتصادی» را نمایش می‌دهد. در سطح تطبیقی، کشورهای دیگری مانند ترکیه و قطر نیز با رویکردی مشابه، توانسته‌اند با حفظ استقلال نسبی، نفوذ منطقه‌ای خود را افزایش دهند. ترکیه با بهره‌گیری از دیپلماسی نرم و اقتصادی، تعادل میان قدرت‌های منطقه‌ای را حفظ می‌کند و قطر با سرمایه‌گذاری در

انرژی و دیپلماسی بین‌المللی توانسته نقش میانجیگری را تقویت کند. این نمونه‌های تطبیقی نشان می‌دهد که سیاست منطقه‌ای کارآمد، تنها با تلفیق استقلال، انعطاف‌پذیری و موازنه در ائتلاف‌ها امکان‌پذیر است، امری که پژوهش حاضر با ارائه چارچوب «استقلال متوازن پویا» به دنبال تحلیل و تعمیم آن در شرایط ایران است.

۷-۱. برداشت از استقلال

در الگوهای پیشین استقلال به معنای انقطاع حداکثری از قدرت‌های خارجی و نفی هرگونه وابستگی تفسیر می‌شد. این رویکرد اگرچه توانست استقلال سیاسی را تثبیت کند، اما گاه به محدودیت در روابط اقتصادی و دیپلماتیک منجر شد. اما در سیاست جدید، استقلال همچنان اصل بنیادین است، اما با مفهوم «توازن» بازتعریف می‌شود. یعنی ایران می‌تواند با تنوع‌بخشی به شرکا و تنظیم روابط هوشمندانه، استقلال خود را حفظ کند بدون آنکه در انزوا قرار گیرد. استقلال دیگر به معنای جدایی مطلق نیست، بلکه به معنای کنترل فعال بر نوع وابستگی‌ها و تعاملات است.

۷-۲. جهت‌گیری راهبردی

در الگوهای پیشین سیاست‌های ایران غالباً واکنشی بودند. تحولات جهانی و فشارهای خارجی مسیر سیاست را تعیین می‌کردند و ایران بیشتر در موقعیت پاسخ‌دهنده به تهدیدها و فشارها قرار می‌گرفت. اما در سیاست جدید ایران به دنبال «کنشگری فعال» است. یعنی ایران نه فقط واکنش نشان می‌دهد، بلکه می‌کوشد دستورکار منطقه‌ای و جهانی را تا حدی شکل دهد. این امر از طریق ابتکارات دیپلماتیک، نهادسازی منطقه‌ای و ایفای نقش در بحران‌ها تحقق می‌یابد.

۷-۳. ابعاد قدرت ملی: از تک‌بعدي گرايي امنيتي به چند بعدي گرايي پويا

در حالیکه الگوهای پیشین عمدتاً امنیت‌محور بودند؛ قدرت سخت (نظامی و امنیتی) در کانون توجه قرار داشت. در نتیجه، سیاست منطقه‌ای ایران اغلب رنگ و بوی ژئوپلیتیکی داشت. سیاست جدید به سمت «چندبعدي گرايي» حرکت می‌کند. قدرت ملی تنها بر پایه نظامی تعریف نمی‌شود، بلکه شامل:

۱. قدرت فناورانه و اقتصاد دانش‌بنیان (در پیوند با انقلاب صنعتی پنجم)

۲. قدرت نهادی و دیپلماسی چندسطحی

۳. قدرت نرم و هویت تمدنی نیز هست.

این ترکیب باعث می‌شود سیاست خارجی ایران از یک «مدل تک‌بعدي» به یک «مدل چندلایه و پویا» ارتقا پیدا کند.

۷-۴. مفهوم تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی

الگوهای پیشین اغلب به صورت محدود و گزینشی به تعامل می‌پرداختند (مثلاً تمرکز بر برخی متحدان استراتژیک یا گروه‌های مقاومت). تعامل با غرب یا حتی با کشورهای جنوب جهانی، معمولاً تحت

فشار ملاحظات سیاسی-امنیتی محدود می‌شود. در سیاست جدید بر «دیپلماسی چندسطحی و تنوع‌بخشی به شرکا» تأکید دارد. ایران در این چارچوب نه تنها روابط راهبردی با قدرت‌های بزرگ (چین، روسیه) را تقویت می‌کند، بلکه به سمت تعامل متوازن با کشورهای منطقه، همسایگان، و حتی قدرت‌های کوچک‌تر اما اثرگذار نیز می‌رود.

۷-۵. بعد هویتی و گفتمانی

در الگوهای پیشین هویت انقلابی و مقاومت ضد سلطه، محور اصلی سیاست خارجی بود. این امر هرچند قدرت نرم خاصی برای ایران ایجاد کرد، اما گاهی مانع تنوع‌بخشی به نقش‌ها شد. در سیاست جدید همچنان بر ارزش‌های هویتی (عدالت، استقلال، مقاومت) تأکید دارد، اما آن‌ها را در قالبی «سازمانگاران و تمدنی» بازتعریف می‌کند. یعنی ایران علاوه بر مقاومت، می‌تواند «قدرتی الهام‌بخش و تمدنی» باشد که مدل‌های بدیل حکمرانی و توسعه را عرضه می‌کند. این تغییر نگاه از «هویت صرفاً اعتراضی» به «هویت سازنده و پیش‌برنده» یک تفاوت بنیادی است. در واقع سیاست جدید «استقلال متوازن پویانده» با حفظ استقلال راهبردی، ایران را از الگوی واکنشی و امنیت‌محور به یک الگوی فعال، چندبعدی، هویت‌محور و تمدنی ارتقا می‌دهد.

۷-۶. رویکرد و راهبرد پیشنهادی سیاست منطقه‌ای ایران

رویکرد ایران در سیاست منطقه‌ای جدید باید «کنش‌گری فعال، تعامل‌محور و آینده‌ساز» باشد؛ به گونه‌ای که ضمن حفظ استقلال تصمیم‌گیری، با همه قدرت‌ها از موضع متوازن و بر اساس منافع ملی تعامل کند و در عین حال به‌سوی نوآوری، توسعه فناورانه، و اثرگذاری بر نظم جدید منطقه‌ای و جهانی حرکت کند. مزایای این رویکرد برای ایران را اینگونه می‌توان بیان کرد.

۱. جلوگیری از انزوای بدون افتادن در دام وابستگی: این رویکرد امکان تعامل با قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای را فراهم می‌کند بدون اینکه ایران به هیچ کشور یا بلوک خاصی وابسته شود و استقلال راهبردی خود را حفظ کند.
۲. حفظ ابتکار عمل و نوآوری: ایران می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و معادلات منطقه‌ای و جهانی نقش فعال داشته باشد و با ایده‌ها و راهکارهای نوین، فرصت‌های استراتژیک را پیش از رقبا شناسایی و بهره‌برداری کند.
۳. تعادل بین امنیت و توسعه پایدار: سیاست منطقه‌ای به گونه‌ای طراحی می‌شود که هم امنیت ملی تضمین شود و هم مسیر توسعه اقتصادی، فناوری و اجتماعی به طور همزمان حفظ و تقویت گردد.
۴. امکان بازی در چند میدان همزمان: با این رویکرد، ایران قادر است در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فناوری همزمان حضور داشته باشد و از فرصت‌های همپوشان بهره‌برداری کند.
۵. دانش‌محور بودن (فناوری‌های نوین): تمرکز بر فناوری‌های نوین و ظرفیت‌های علمی باعث

افزايش توان رقابتي کشور، کاهش وابستگي به منابع خارجي و تقويت قدرت نرم و سخت ايران در عرصه منطقه‌اي و بين‌المللي مي‌شود.

۸. راهبرد

ايجاد يك شبکه همگراي امنيتي- اقتصادي بر پايه ارزش‌هاي مشترک، مشارکت مردمی و پيشراني دانش در قالب ائتلاف‌هاي متغير، چند لايه و موضوعي، با هدف تبديل ايران به قدرت مياني موازنه‌گر پايدار و مرجع الهام‌بخش تمدني در غرب آسيا. پيش فرض‌هاي راهبرد

۱. گرايش نظام بين الملل به سوي وضعيت جهان چندقطبي
۲. انکارناپذير شدن نقش دانش- فناوري و رسانه در تقويت ماهوي و گستره‌اي قدرت
۳. تقدم رويکرد ملي گرايي هژمونيك بر رويکرد هژموني جهاني آمريکا در خاورميانه
۴. بازآرآيي و گسترش نقش آفريني قدرت‌هاي منطقه‌اي
۵. ظهور رقابت ژئوپوليتيك ايران-اسرائيل در محيط پيراموني (تقدم نگاه ژئوپوليتيك بر نگاه ايدئولوژيك)
۶. رشد اهميت مفهومي و ژئواکونوميک منطقه (ترانزيت، انرژي، فناوري، امنيت غذايي)
۷. نامتجانس بودن سياست منطقه اي با توسعه، منافع و اراده ملي
۸. ايران در نقطه عطف سرنوشت‌ساز؛ ضرورت اجباري بازسازي ايده‌ها، ساختارها و تغيير قواعد بازي بر پايه منطق گفتماني جديد

۹. عناصر کليدي راهبرد استقلال متوازن پوينده

۹-۱. امنيت‌سازي مشارکتی

حرکت از مدل‌هاي تقابل و ائتلاف‌هاي بسته به سوي مدل‌هاي هم‌پوشان امنيتي با محوريت ديپلماسي پيش‌نگر^۱ و مردم‌محور. ايجاد ترتيبات امنيتي در منطقه، به‌جاي رويکردهاي تک‌جانبه، مي‌تواند از تنش‌هاي فرامرزي پيشگيري کرده و امنيت پايدار را تضمين کند. اين مدل امنيتي بر پايه همکاري ميان کشورها، تبادل اطلاعات نظامي و مديريت بحران مشترک استوار است. براي نمونه، تلاش‌هاي ايران براي ايجاد مکانيسم‌هاي مشورتي امنيتي با همسايگان در خليج فارس و دريای عمان، نمونه‌اي از اجرائي اين راهبرد است که با هدف کاهش تنش‌هاي دريائي و مديريت بحران‌هاي منطقه‌اي انجام شده است (Jones, 2019 p.45؛ Smith, 2021p. 127)

۹-۲. موازنه‌گري هوشمند

حفظ فاصله راهبردي از رقابت‌هاي قدرت‌هاي بزرگ و ايفاي نقش فعال در تنظيم روابط منطقه‌اي از طريق «وزن‌کشي ديپلماتيك»، «اقتصاد منطقه‌اي»، «فناوري‌هاي بازدارنده نظامي و غيرنظامي» و «ارزش‌هاي تمدني». ايران مي‌تواند از ظرفيت‌هاي علمي و فناوري خود براي ايجاد موازنه هوشمند در سطح منطقه

۱. ديپلماسي پيش‌نگر نوعي از ديپلماسي است که به‌جاي واکنش به تحولات جهاني و منطقه‌اي، با پيش‌بيني روندها، تهديدات، و فرصت‌هاي آينده، به‌طور پيش‌دستانه، هوشمند و هدفمند در جهت شکل دادن به محيط بين‌المللي و منطقه اي حرکت مي‌کند.

استفاده کند. این شامل توسعه فناوری‌های دفاعی، انرژی، مخابرات و سایبری است که امکان تقویت نفوذ ژئوپلیتیک را فراهم می‌کند، بدون آنکه به درگیری‌های نظامی مستقیم دامن زده شود. به‌عنوان نمونه، توسعه پهپادها و سامانه‌های موشکی برد کوتاه و متوسط ایران در دهه اخیر باعث شد نقش بازدارنده ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز تقویت شود، بدون آنکه درگیری مستقیم نظامی رخ دهد (Khan & Lee, 2020:p.88)

۹-۳. پویندگی تمدنی و گفتمانی

بازیابی، بازآرایی، برسازي و ترویج الگوهای هویتی- گفتمانی مبتنی بر عدالت، کرامت، پایداری فرهنگی و دانایی محوری به‌عنوان مزیت رقابتی در تعاملات و معادلات منطقه‌ای. قدرت نرم ایران می‌تواند از طریق دیپلماسی فرهنگی، علمی و رسانه‌ای فعال شود. این شامل تبادل علمی و دانشگاهی، برنامه‌های فرهنگی، شبکه‌های رسانه‌ای منطقه‌ای و ارتقای تصویر بین‌المللی است. برای مثال، راه‌اندازی دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی ایران در کشورهای همسایه، همکاری‌های رسانه‌ای با شبکه‌های منطقه‌ای و انتشار مقالات علمی مشترک، موجب تثبیت جایگاه ایران به‌عنوان بازیگر سازنده و مستقر در صلح شده است (Nye, 2004: p102؛ Zahra, 2018: p56)

۹-۴. شبکه‌سازی منطقه‌ای در پنج بُعد:

- ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای در پنج حوزه اصلی می‌تواند همکاری‌های جامع و پایدار را تضمین کند:
۱. علمی-فناورانه: همکاری‌های پژوهشی با دانشگاه‌ها و موسسات علمی
 ۲. فرهنگی-رسانه‌ای: تولید برنامه‌های مشترک فرهنگی با کشورهای همسایه و حمایت از جشنواره‌های هنری منطقه‌ای.
 ۳. سیاسی-امنیتی: مشارکت در نشست‌های منطقه‌ای امنیتی و ایجاد مکانیسم‌های مشاوره‌ای مشترک.
 ۴. اقتصادی-تجاری: توسعه پروژه‌های صنعتی و تجاری مشترک، از جمله همکاری در حوزه انرژی و حمل‌ونقل.
 ۵. زیرساختی-کریدوری: احداث مسیرهای ترانزیتی و کریدورهای لجستیکی مانند راه‌آهن و خطوط انتقال انرژی که همگرایی منطقه‌ای را تقویت می‌کند (Adelman, 2017: p214).

جدول ۲. چارچوب راهبردی پیشنهادی ایران در حوزه‌های کلیدی سیاست منطقه‌ای

حوزه	راهبرد پیشنهادی
روابط جهانی	توسعه روابط با قدرت‌های بین‌المللی بدون وابستگی به هیچ کدام
منطقه‌گرایی	مشارکت در ساختارهای امنیتی منطقه‌ای

تقويت بازدارندگي هوشمند + کاهش سطح تنش با کشورهای همسايه	امنيت و دفاع
تنوع بخشی به شرکا، استفاده از ابزارهای مالی مستقل (رمزارز، مبادلات غير دلاری)	اقتصاد خارجی
توسعه گفت وگوهای تمدنی، علمي، فرهنگي و مذهبي برای کاهش واگرایی های هویتی	ديپلماسی نرم
بازتعريف آن به عنوان شبکه امنيت ساز منطقه ای با مشروعيت بومی	محور مقاومت
ایفای نقش فعال در بازار انرژی، کربدورهای حمل و نقل و ائتلاف های اقتصادی نوظهور	انرژی و ژئواقتصاد

(این جدول راهبردهای عملیاتی پیشنهادی برای ایران را در حوزه های روابط جهانی، منطقه گرایی، امنیت و دفاع، اقتصاد خارجی، دیپلماسی نرم، محور مقاومت و انرژی-ژئواقتصاد ارائه می دهد تا ضمن حفظ استقلال و خودمختاری، توانایی انعطاف پذیری و توازن را تقویت کند).

۱۰. الزامات / اصول راهبردی استقلال متوازن پوينده

تنوع بخشی به روابط خارجی و پرهیز از وابستگی به یک بلوک قدرت: ایران برای تقویت استقلال استراتژیک خود نیاز دارد تا روابط خارجی خود را متنوع کرده و از وابستگی مطلق به یک قدرت بزرگ یا بلوک سیاسی خودداری کند. این امر امکان مانور دیپلماتیک و کاهش آسیب پذیری ناشی از تحریم ها و فشارهای بین المللی را فراهم می کند. برای نمونه، همزمان با توسعه روابط با چین و روسیه، ایران باید ارتباطات اقتصادی و فرهنگی با کشورهای منطقه ای و آسیایی دیگر را نیز گسترش دهد تا شبکه چندجانبه ای از همکاری ها ایجاد شود

موازنه میان همکاری و رقابت با قدرت های بزرگ: در شرایطی که قدرت های بزرگ دارای نفوذ ژئوپلیتیک گسترده هستند، ایران باید تعادلی میان همکاری و رقابت برقرار کند. این به معنای تعامل با قدرت ها در حوزه های اقتصادی و فناوری، همزمان با حفظ ظرفیت های بازدارنده و استقلال سیاسی است. به عنوان مثال، ایران می تواند در حوزه انرژی و پروژه های زیرساختی با قدرت های جهانی همکاری کند، اما در حوزه های امنیتی و دفاعی، موازنه گری هوشمند را حفظ کند تا از فشار خارجی و سلطه جویی جلوگیری شود

افزایش انعطاف پذیری سیاست خارجی در برابر بحران ها: انعطاف پذیری سیاست خارجی، به معنای توانایی تغییر سریع راهبردها در واکنش به بحران های داخلی و بین المللی است. ایران باید قادر باشد ضمن حفظ اهداف کلان، تاکتیک های متنوعی را در برابر تحولات منطقه ای و جهانی اتخاذ کند، مانند نوسان در روابط با همسایگان در مواقع بحران های امنیتی یا اقتصادی (Baldwin, 1997, p. 157; Nye, 2004, p. 89). این انعطاف پذیری، امکان کاهش ریسک ها و بهره برداری از فرصت های جدید را فراهم می کند.

تمرکز بر نفوذ اقتصادی و دانش‌بنیان: قدرت اقتصادی و فناوری به‌عنوان ابزارهای اصلی افزایش نفوذ در سیاست منطقه‌ای ایران باید در مرکز راهبرد قرار گیرند. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های صنعتی، علمی و فناوری‌های نوین، ایران را به بازیگری جذاب برای همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل می‌کند. نمونه عملی آن، توسعه پروژه‌های انرژی، فناوری اطلاعات و همکاری‌های علمی با کشورهای همسایه و آسیای میانه است که ضمن ایجاد وابستگی متقابل، ظرفیت ایران برای نفوذ سازنده را افزایش می‌دهد. نهادسازی منطقه‌ای با محوریت تهران و موضوعات مشترک: ایران می‌تواند با ایجاد و تقویت نهادهای منطقه‌ای، نقش مرکزی در حل مسائل مشترک ایفا کند. این نهادها می‌توانند در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی، انرژی و فرهنگی شکل بگیرند و به عنوان بستر همکاری‌های پایدار عمل کنند. چنین اقداماتی موجب تثبیت جایگاه ایران به‌عنوان محور همکاری‌های منطقه‌ای شده و از تنش‌های فرامرزی پیشگیری می‌کند.

جدول ۳. مؤلفه‌ها و توضیح راهبردی سیاست منطقه‌ای ایران

مؤلفه	توضیح
استقلال سیاسی	عدم تبعیت راهبردی از قدرت‌های بزرگ
تکثروابط / تنوع بخشی به شرکا	تعامل همزمان با قدرت‌های رقیب
موازنه در ائتلاف‌ها	حفظ تعادل در ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی
اولویت منافع ملی	نه غرب‌گرایی، نه شرق‌گرایی؛ بلکه «منافع‌گرایی ملی»
انعطاف راهبردی	توانایی تغییر جهت در واکنش به تحولات جهانی
موازنه منطقه‌ای چندجانبه	پرهیز از قطب‌بندی خالص
دیپلماسی هم‌زمان	گفت‌وگو با طرف‌های متضاد
دیپلماسی موازی	دیپلماسی رسمی، عمومی، امنیتی و فرهنگی

پیکیری منافع با قدرت هوشمند - ساختاری - ارزشی	اقتدار توسعه محور
توانایی پاسخ گویی به تهدید، در عین حفظ دروازه های مذاکره	بازدارندگی انعطاف پذیر
	شکل دهی به ائتلاف های متغیر بر پایه منافع مشترک و آینده نگر
وابسته سازی منطقه به اقتصاد دانش محور ایران	تقدم نفوذ اقتصادی دانش بنیان بر نفوذ نظامی سنتی
	ایجاد نهادهای منطقه ای موضوعی جدید با محوریت تهران
رویکرد راهبردی - جامع به توان نظامی	تقویت قدرت نظامی فناوری پایه نامتقارن

(این جدول مؤلفه های کلیدی سیاست منطقه ای ایران را به همراه توضیح عملکرد هر مؤلفه ارائه می دهد. هدف آن نشان دادن چارچوبی عملیاتی است که ضمن حفظ استقلال و خودمختاری، انعطاف پذیری، موازنه منطقه ای و بهره گیری از قدرت نرم و دانش بنیان را تقویت می کند.)

۱۱. چالش های تحقق سیاست استقلال متوازن پویانده

چالش های داخلی

شکاف میان دستگاه دیپلماسی و نهادهای اقتصادی - صنعتی: یکی از موانع اصلی تحقق سیاست استقلال متوازن، هماهنگی ناکافی میان دستگاه دیپلماسی و نهادهای اقتصادی و صنعتی است. در بسیاری از مواقع، اهداف سیاسی - امنیتی با برنامه های اقتصادی هم راستا نیستند؛ به عنوان مثال، سیاست های تحریمی یا محدودیت های بانکی ممکن است فرصت های سرمایه گذاری خارجی یا صادرات را کاهش دهد و مانع از تحقق اهداف اقتصادی - تجاری سیاست منطقه ای شود (Harris, 2019: 42). ضعف در جذب سرمایه گذاری خارجی: کمبود شفافیت، ریسک های حقوقی و اقتصادی، و محدودیت های دسترسی به بازارهای بین المللی، باعث کاهش جذابیت ایران برای سرمایه گذاران خارجی می شود. بدون جذب سرمایه و فناوری، بخش اقتصادی کشور نمی تواند به طور موثر از سیاست های منطقه ای حمایت کند و این

موضوع، تحقق استقلال متوازن را دشوار می‌سازد (World Bank, 2021)

چالش‌های منطقه‌ای

رقابت شدید با قدرت‌های منطقه‌ای (ترکیه، عربستان، اسرائیل): وجود رقبای قدرتمند منطقه‌ای با نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی بالا، مانع از تثبیت جایگاه ایران به‌عنوان محور همکاری‌های منطقه‌ای می‌شود. هرگونه تلاش ایران برای افزایش نفوذ ممکن است با واکنش‌های متقابل از سوی این کشورها مواجه شود که خود می‌تواند تنش‌ها را افزایش دهد (Gause, 2017: 15). حساسیت‌های مذهبی و قومی: تنوع مذهبی و قومی در منطقه، موجب پیچیدگی در اجرای سیاست‌های یکپارچه و همگرایانه می‌شود. ایران باید در سیاست‌های خود به ملاحظات فرهنگی، مذهبی و قومی همسایگان توجه کند تا از بروز سوءتفاهم و افزایش تنش‌های داخلی و منطقه‌ای جلوگیری شود (Nasr, 2007: 43)

چالش‌های بین‌المللی

تداوم تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی: تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی به‌ویژه در حوزه انرژی و بانکداری، ظرفیت ایران برای اجرای سیاست منطقه‌ای مستقل را محدود می‌کند. این تحریم‌ها توان مالی و تکنولوژیک کشور را کاهش داده و انعطاف‌پذیری سیاست خارجی را محدود می‌سازند (Katzman, 2022: 52). تصویرسازی منفی در رسانه‌های غربی: روایت‌های منفی رسانه‌های بین‌المللی درباره ایران، مانع از ایجاد شبکه‌های اعتماد با کشورهای منطقه و سرمایه‌گذاران خارجی می‌شود. این موضوع، علاوه بر اثر روانی، می‌تواند بر سیاست‌های نرم قدرت ایران مانند دیپلماسی فرهنگی و علمی نیز تاثیر منفی بگذارد.

۱. چالش‌های درونی (ساختاری - نهادی)

چالش	توضیح
ناهماهنگی ساختار سیاست‌گذاری خارجی	نبود انسجام بین نهادهای مختلف تصمیم‌گیر (وزارت خارجه، شورای عالی امنیت ملی، سپاه، رسانه‌ها و...) مانع توازن در سیاست می‌شود.
وابستگی برخی زیرساخت‌ها به قدرت‌های خاص	وابستگی به تکنولوژی‌ها یا زیرساخت‌های خاص غربی یا شرقی می‌تواند استقلال را تهدید کند.
ضعف در دیپلماسی علمی و فناورانه	هنوز ظرفیت‌های فناوری و نخبگانی به عنوان ابزار راهبردی در سیاست خارجی به کار گرفته نشده‌اند.
ناتمام‌ماندن تحول در روایت رسمی سیاست خارجی	نگاه صرفاً تقابلی یا صرفاً مصلحت‌گرا مانع «روایت‌سازی تمدنی متوازن» می‌شود.

۲. چالش‌های منطقه‌ای

چالش	توضیح
رقابت ژئوپلیتیک با قدرت‌های منطقه‌ای	این کشورها نیز در حال بازتعریف نقش منطقه‌ای خود هستند و ممکن است در برابر نقش متوازن ایران مقاومت کنند.
ناپایداری دولت‌ها در منطقه	دولت‌های شکننده یا موقت برخی همسایگان (عراق، افغانستان، لبنان) امکان سیاست‌ورزی بلندمدت را دشوار می‌کند.
ترس از نفوذ ایدئولوژیک ایران	برخی دولت‌های عربی نسبت به گسترش نفوذ فرهنگی یا دینی ایران حساس‌اند.
معضل اسرائیل	

۳. چالش‌های بین‌المللی

توضیح	چالش
در نظم چندقطبی، بی‌طرفی فعال یا عدم تعهد پویا ممکن است با فشار از طرف یکی از بلوک‌ها مواجه شود.	رقابت میان قدرتی چین-آمریکا
تحریم‌ها توان مانور ایران برای توسعه روابط متوازن را محدود می‌کنند.	تحریم‌ها و ساختارهای تحمیلی بین‌المللی
رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های روایت‌ساز اغلب تصویر غیرهمدلانه‌ای از ایران ارائه می‌دهند.	فضای روایی جهانی منفی علیه ایران

سیاست استقلال متوازن پویا نیازمند تحول در نظام تصمیم‌گیری، نهادسازی دیپلماسی نوین، روایت‌سازی تمدنی و تقویت پیوندهای فناورانه-مردمی در سیاست خارجی است تا بر این چالش‌ها غلبه کند. با توجه به تحلیل مفهومی و تطبیقی ارائه‌شده، روشن است که سیاست منطقه‌ای ایران نمی‌تواند تنها بر استقلال سیاسی صرف یا تکیه بر قدرت سخت متکی باشد. بلکه ترکیبی از انعطاف‌پذیری، تعامل چندجانبه و بهره‌گیری همزمان از ابزارهای اقتصادی، فرهنگی و امنیتی، زمینه را برای حفظ استقلال متوازن و تقویت جایگاه ایران در منطقه و نظام بین‌الملل فراهم می‌کند. این نتیجه‌گیری، بستری منطقی برای ارائه پیشنهادات راهبردی فراهم می‌سازد که هم اهداف کوتاه‌مدت و هم بلندمدت سیاست خارجی را پوشش می‌دهد و امکان اجرای عملیاتی چارچوب «استقلال متوازن پویا» را فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

سیاست منطقه‌ای ایران در قرن بیست‌ویکم با مجموعه‌ای از چالش‌ها و فرصت‌ها مواجه است که تحقق اهداف استقلال متوازن پویا را ضرورت می‌بخشد. بررسی تحولات بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی نشان می‌دهد که قدرت‌های بزرگ، بازیگران منطقه‌ای و نهادهای داخلی، هر کدام به نحوی می‌توانند بر اثرگذاری سیاست‌های ایران تأثیرگذار باشند. در این میان، توجه به راهبردهای چندسطحی و ترکیبی، شامل امنیت‌سازی مشارکتی، موازنه‌گری هوشمند فناوری‌پایه، پویندگی تمدنی و شبکه‌سازی منطقه‌ای، به‌عنوان محورهای کلیدی، می‌تواند مسیر دستیابی به اهداف ملی را هموار کند.

تحلیل چارچوب مفهومی پژوهش نشان داد که استقلال متوازن پویا به معنای ایجاد توازن میان قدرت و نفوذ، امنیت و همکاری، و رقابت و دیپلماسی فرهنگی-اقتصادی است. این رویکرد، با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و توانمندی‌های علمی و فناورانه، امکان افزایش جایگاه ژئوپلیتیک ایران را فراهم می‌کند و در عین حال، از ورود کشور به وابستگی تک‌جانبه به بلوک‌های قدرت جلوگیری می‌کند. همچنین، شبکه‌سازی در پنج بُعد علمی-فناورانه، فرهنگی-رسانه‌ای، سیاسی-امنیتی، اقتصادی-تجاری و زیرساختی-کریدوری، به عنوان سازوکار عملیاتی تحقق استقلال متوازن، توانایی ایران برای تأثیرگذاری بر محیط منطقه‌ای را تقویت می‌کند.

چالش‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نظیر شکاف میان دستگاه دیپلماسی و نهادهای اقتصادی، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای، حساسیت‌های مذهبی و قومی، تحریم‌ها و تصویرسازی منفی رسانه‌ای، نشان‌دهنده ضرورت بازتعریف سیاست‌های منطقه‌ای و انعطاف‌پذیری راهبردی است. راهکارهای پیشنهادی، از جمله نهادسازی مشترک میان وزارتخانه‌ها، اصلاح قوانین سرمایه‌گذاری، تقویت دیپلماسی چندسطحی و رسانه‌ای، و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، می‌توانند موانع پیش روی سیاست استقلال متوازن پوينده را کاهش دهند و سطح اثرگذاری ایران را در محیط منطقه‌ای ارتقا دهند.

ضرورت‌های راهبردی، مانند تنوع‌بخشی به روابط خارجی، موازنه میان همکاری و رقابت با قدرت‌های بزرگ، افزایش انعطاف‌پذیری سیاست خارجی، تمرکز بر نفوذ اقتصادی-دانش‌بنیان و نهادسازی منطقه‌ای با محوریت تهران، نشان می‌دهد که دستیابی به اهداف استقلال متوازن پوينده، تنها از طریق ترکیب هوشمندانه ابزارهای قدرت سخت و نرم امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، سیاست منطقه‌ای ایران باید همزمان جنبه‌های امنیتی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و سیاسی را مدیریت کند تا اثرگذاری و پایداری آن تضمین شود.

در نهایت، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تحقق سیاست استقلال متوازن پوينده، مستلزم یکپارچگی میان اهداف ملی، قابلیت‌های داخلی و فرصت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. بهره‌گیری همزمان از قدرت سخت و نرم، شبکه‌سازی پنج‌بعدی و دیپلماسی چندسطحی، ایران را قادر می‌سازد تا در محیط پیچیده و رقابتی منطقه‌ای، نقش مؤثر و مستقل خود را حفظ کرده و به اهداف توسعه‌ای، امنیتی و فرهنگی خود دست یابد. بنابراین، سیاست منطقه‌ای آینده ایران باید مبتنی بر چارچوب علمی و تحلیلی، همراه با انعطاف‌پذیری و نوآوری راهبردی، تدوین و اجرا شود تا بتواند همزمان منافع ملی و نقش فعال ایران در نظم منطقه‌ای را تضمین نماید.

منابع

- نصر، ولی. (۱۳۹۰)، احیای تشیع: چگونه منازعات درون اسلام آینده را شکل خواهد داد، ترجمه جمعی از مترجمان. تهران: نشر نی.
- والتز، کنت. (۱۳۹۰)، نظریه سیاست بین‌الملل، ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: نشر قومس.
- ونت، الکساندر. (۱۳۹۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه جمعی از مترجمان. تهران: انتشارات قومس.
- سلطانی، اسحاق (۱۴۰۴)، مسیر نظریه پردازي برلين در باب آزادي و درس‌هاي آن براي ايران معاصر، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی
- زکریا، فرید. (۱۳۹۰)، جهان پساآمریکایی (ترجمه حسن افشار). تهران: نشر مرکز.
- کوهان، رابرت، و نای، جوزف. (۱۳۸۵). قدرت و وابستگی متقابل ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر قومس.
- محسنی، سجاد (۱۴۰۴)، [الگوی تحلیلی روابط ایران و عربستان سعودی از ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۴](#)، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی
- نای، جوزف. (۱۳۸۹)، قدرت نرم، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی. تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

References

- Acharya, A. (2014), *Constructing Global Order: Agency and Change in World Politics*. Cambridge University Press.
- Adelman, J. (2017), *Regional Networks and Cooperation*. Routledge.
- Akhavan, P. (2022), *Iran and International Relations*. Oxford UP.
- Barzegar, K. (2018), Iran's regional policy in the Middle East: Challenges and opportunities. *Middle East Policy*, 25(3), 5–15.
- Carranza, M. (2018), Middle Powers and the rise of multipolarity. *International Studies Review*, 20 (3), 453–478.
- Freeman, C., & Louçã, F. (2001), *As Time Goes By: From Industrial Revolutions to the Information Revolution*. Oxford University Press.
- Gause, G. (2017), *Saudi Arabia and Regional Competition*. Brookings.
- Harris, K. (2019), *Economic Sanctions and Policy Coordination*. Yale University Press.
- Holbraad, C. (1984), *Middle Powers in International Politics*. Macmillan.
- Katzman, K. (2022), *Iran Sanctions*. Congressional Research Service.
- Keohane, R. O., & Nye, J. S. (2006), *Power and interdependence* (A. Tayeb, Trans.). Tehran, Iran: Ghomes Publishing.
- Khalaji, M. (2021), *Iran's domestic challenges and regional ambitions*. Washington, DC: Washington Institute for Near East Policy.
- Khan, M., & Lee, J. (2020), *Technology and Security in the Gulf*. Springer.
- Mohseni, S. (2025), An analytical model of Iran–Saudi Arabia relations from 1979 to 2024. *Journal of Political and International Approaches*.
- Nasr, V. (2011), *The Shia revival: How conflicts within Islam will shape the future* (Trans. by a group of translators), Tehran, Iran: Ney Publishing.
- Nye, J. (2004), *Soft Power and Global Politics*. PublicAffairs.
- Nye, J. S. (2010), *Soft power: The means to success in world politics* (S. J. Dehghani Firouzabadi, Trans.), Tehran, Iran: Office of Political and International Studies Publishing.
- Smith, T. (2021), *Independence in Foreign Policy*. Routledge.
- Soltani, E. (2025), The path of Berlin's theory of liberty and its lessons for contemporary Iran. *Journal of Political and International Approaches*.
- Walt, S. (2020), *The Hell of Good Intentions*. Farrar, Straus & Giroux.
- Waltz, K. (1979), *Theory of International Politics*. Addison-Wesley.
- Waltz, K. N. (2011), *Theory of international politics* (A. Alam, Trans.), Tehran, Iran: Ghomes Publishing.
- Wendt, A. (1999), *Social Theory of International Politics*. Cambridge University Press.
- Wendt, A. (2015), *Social theory of international politics* (Trans. by a group of translators), Tehran, Iran: Ghomes Publishing.
- Zakaria, F. (2011), *The post-American world* (H. Afshar, Trans.). Tehran, Iran: Markaz Publishing.